

## عبدالبهاء و جهانی شدن

### موژان مؤمن

در دهه‌های اخیر استفاده از مفهوم «جهانی شدن» در گفتمان اجتماعی و سیاسی به شدت رایج شده است.<sup>۱</sup> این اصطلاح را عمدتاً در اشاره به جنبه‌های منفی آزادی بی‌حدومرز شرکت‌های بین‌المللی برای جابه‌جایی سرمایه در جهان، بی‌اعتنا به پیامدهای اجتماعی تصمیم‌هایشان، و در توصیف سلطه‌ی فزاینده‌ی تنها ابرقدرت دنیا و سازمان‌های زیر نفوذ آن نظیر «بانک جهانی» و «صندوق بین‌المللی پول» به کار می‌برند. به جنبه‌های مثبت جهانی شدن، از جمله پشتیبانی مالی و تدارکاتی از نواحی مصیبت‌زده‌ی دنیا یا بسیج انبوهی از مردم در حمایت از اموری مثل آرمان‌های زیست‌محیطی، بسیار کمتر اشاره می‌کنند. بی‌تردید هردو جنبه به سرعت در حال گسترش است، بی‌آن که از دولت یا هیچ نیروی کنترل اجتماعی دیگری کاری برآید.

با وجود این، به نظر می‌رسد که اصطلاح «جهانی شدن» به چیزی فراتر از واقعیت‌هایی مثل ماهیت بین‌المللی تجارت و دادوستد، آگاهی فزاینده از دیگر فرهنگ‌های بشری، و سهولت سفر و ارتباط با همه‌ی نقاط جهان اشاره می‌کند. شاید بتوان همه‌ی این پدیده‌ها را «بین‌المللی» یا «بین‌فرهنگی» خواند. جایگزینی واژه‌ی «بین‌المللی» با کلمه‌ی «جهانی» حاکی از آن است که می‌دانیم در حال عبور از مرحله‌ی روابط میان مردم و دولت‌ها به مرحله‌ای هستیم که مارشال مک‌لوهان و رولاند رابرتسون با عناوینی همچون «دهکده‌ی جهانی»، «در آن واحدبودگی» و «جهان به مثابه‌ی محلی واحد» از آن یاد می‌کنند.

در تاریخ ۱۶۰ ساله‌ی آیین بهائی، جهانی شدن یکی از مضامین اصلی بوده است. به رغم این پیوند دیرین، اکثر پژوهشگرانی که به رابطه‌ی دین و جهانی شدن پرداخته‌اند از آیین بهائی سخن نگفته‌اند.<sup>۲</sup> بهاء‌الله (۱۸۱۷-۱۸۹۲) در آثار خود به روشنی گفت که تعالیم‌اش را به کل دنیا (همه‌ی ملل، همه‌ی ادیان، و همه‌ی اقشار جامعه) ابلاغ می‌کند اما وقتی عبدالبهاء در سال ۱۸۹۲ رهبری جامعه‌ی بهائی را بر عهده گرفت، اکثریت چشمگیری از بهائیان ایرانی و شیعه‌تبار بودند. تا آن زمان، تعدادی از یهودیان کاشان و همدان، برخی از زرتشتیان یزد، شمار پراکنده‌ای از مسلمانان سنی در قلمرو امپراتوری عثمانی، و تعداد بسیار اندکی از مسیحیان سوری بهائی شده بودند. به احتمال زیاد، تعداد کل این افراد از ۲۰۰۰ نفر (یعنی ۲-۱ درصد از تعداد کل بهائیان دنیا) تجاوز نمی‌کرد.<sup>۳</sup> تلاش برای

<sup>۱</sup> در نگارش این مقاله از نظرات ارزشمند دکتر فرانکلین لویس، دکتر رابرت استاکمن، دکتر سوزان میک، دکتر مارک فاستر، و اسماعیل ولاسکوکه در گروه ای میلی «بریز» ارائه شد، بهره برده‌ام.

<sup>۲</sup> برای مثال، نگاه کنید به بایر (۱۹۹۴) و داوسون (۱۹۹۸). فقط واربورگ (۱۹۹۹) به ارتباط آیین بهائی و جهانی شدن پرداخته است.

<sup>۳</sup> بی‌تردید، این ارقام همگی تخمینی است؛ اما در هیچ یک از شهرهای ایران بیش از ۱۰۰ نفر از اعضای اقلیت‌های دینی به آیین بهائی نگرویدند؛ اکثر بهائیان مقیم شهرهای خارج از ایران را هم مهاجران ایرانی تشکیل می‌دادند و شمار بهائیان بومی در هیچ یک از اندک

گسترش آیین بهائی در میان سنی‌های آسیای مرکزی تنها به سکونت شماری از بهائیان ایرانی در آن نواحی انجامیده بود. تلاش برای جذب صوفیان سنی در قلمرو امپراتوری عثمانی ناکام مانده بود. در نتیجه‌ی فعالیت‌های جمال افندی در هند تنها تعدادی از ایرانی‌ها یا هندی‌های فارسی‌زبانی که فرهنگ ایرانی داشتند به آیین بهائی گرویده بودند. جامعه‌ی جهانی بهائی عمدتاً شامل ایرانیان شیعه‌تبار مقیم ایران، و گروه‌های پراکنده‌ای در هند، آسیای مرکزی، قفقاز، قلمرو عثمانی، و مصر بود که اکثر آن‌ها را هم ایرانیان مهاجر تشکیل می‌دادند.

برای مطالعه‌ی جهانی شدن جامعه‌ی بهائی در دوره‌ی عبدالبهاء می‌توان از طبقه‌بندی یان آرت شولت بهره برد. چهار مقوله از پنج مقوله‌ی مورد نظر شولت برای بررسی حاصل کار عبدالبهاء مناسب است: جهانی شدن هنجاری، روان‌شناختی، اقتصادی، و نهادی (جهانی شدن بوم‌شناختی را نادیده می‌گیریم). استفاده از این مقوله‌ها به معنای مقایسه‌ی اوضاع امروز با یک‌صد سال قبل نیست. اگر از منظر کنونی بنگریم، فعالیت‌های عبدالبهاء صرفاً گام‌هایی ابتدایی به سوی جهانی شدن بود.

## جهانی شدن هنجاری

جهانی شدن هنجاری یعنی تجویز و تثبیت این که دنیای جهانی‌شده، یا همان «دهکده‌ی جهانی»، هنجار و واقعیت جهان بشری در عصر حاضر است. بسیاری از نوآوری‌های عبدالبهاء برای ترویج جهانی شدن بر عقیده‌ی او به وحدت و برابری نوع بشر استوار بود. بهاء‌الله اساس لازم برای جهانی شدن جامعه‌ی بهائی را با کنار گذاشتن چارچوبی که در اسلام رایج است، بنا نهاده بود. همان چارچوبی که انسان‌ها را به مؤمن و کافر تقسیم می‌کرد و با نجس شمردن کافران به این جدایی دامن می‌زد. بهاء‌الله در آثار خود بر برابری همه‌ی آدمیان، فارغ از میزان تحصیلات یا طبقه‌ی اجتماعی آن‌ها، تأکید کرده بود.

بهاء‌الله تأکید می‌کرد که همه باید دیدگاهی جهانی داشته باشند: «عالم‌بین باشید نه خودبین ... امروز بر کلّ لازم و واجب است تمسک نمایند به آنچه که سبب سموّ و علوّ دولت عادلّه و ملّت است ... از قبل فرموده‌اند حبّ الوطن من الایمان و لسان عظمت در یوم ظهور فرموده لیس الفخر لمن یحبّ الوطن بل لمن یحبّ العالم».

این جهانی شدن یکی از مضامین اصلی آثار عبدالبهاء بود، و به این ترتیب در کانون توجه بهائیان قرار گرفت. عبدالبهاء در سخنرانی‌های خود در اروپا و آمریکای شمالی و در نامه‌هایش به طور مکرر بر ماهیت هنجاری جهانی شدن تأکید می‌کرد: «همه در همین کره‌ی ارض مسکن و مأوا کرده‌ایم. فی‌الحقیقه یک خانواده و اهل همین

---

شهرهای مصر، سوریه، آناتولی، عراق، و هند از ۲۰ نفر تجاوز نمی‌کرد (برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی این نواحی، نگاه کنید به مازندرانی، بدون تاریخ).

خاندان ایم.» افزون بر این، از پیامدهای این امر سخن می‌گفت. برای مثال، تأکید می‌کرد که جهانی شدن نتیجه‌ی ناگزیر پیشرفت‌های تکنولوژیک در سفر و ارتباطات در عصر حاضر است.

با وجود این، عبدالبهاء تأکید می‌کرد تا شرایط اجتماعی مشخصی به وجود نیاید، جهانی شدن مضر و زیان‌بار خواهد بود. برای مثال، او در سفرهای خود به غرب به نقش مهم چندین عامل در وحدت و برابری همه‌ی انسان‌ها پرداخت: ارتقای سطح تحصیلی و جایگاه اجتماعی زنان و افزایش مشارکت آنان در امور اجتماعی، محو شکل‌های گوناگون تعصب و نابرابری نژادی، و پرهیز از اختلاف، ستیزه‌جویی، و برتری‌طلبی ناشی از تفاوت‌های سیاسی، ملی، دینی، و قومی.

علاوه بر این، عبدالبهاء دل‌مشغولی پست‌مدرن به تنوع و تکثر را پیش‌بینی کرد و به آن پرداخت. او وحدت را نه همسانی ناشی از تعلق به یکی از فرهنگ‌های بشری بلکه شامل و مبتنی بر کثرت می‌دانست. وی بارها، اغلب با زبانی استعاری، از وحدت در کثرت سخن گفت. برای مثال، می‌گفت: «ملاحظه‌نمائید گل‌های حدائق هرچند مختلف‌النوع و متفاوت‌اللون و مختلف‌الصور و الأشکالند ولی چون از یک آب نوشند و از یک باد نشو و نما نمایند و از حرارت و ضیاء یک شمس پرورش یابند آن تنوع و اختلاف سبب ازدیاد جلوه و رونق یکدیگر گردد. چون جهت جامعه که نفوذ کلمة‌الله است حاصل گردد این اختلاف آداب و رسوم و عادات و افکار و آراء و طبایع سبب زینت عالم انسانی گردد و همچنین این تنوع و اختلاف چون تفاوت و تنوع فطری خلقی اعضاء و اجزای انسانست که سبب ظهور جمال و کمال است.»

## جهانی شدن روان‌شناختی

شولت جهانی شدن روان‌شناختی را چنین تعریف می‌کند: «آگاهی فزاینده از تبدیل جهان به محلی واحد، و تشدید این آگاهی بر اثر تجربیات روزمره‌ی مربوط به نوع خوراک، موسیقی، و لباس.» البته در زمان عبدالبهاء، و به ویژه در ایران، تجربیات جهانی به هیچ وجه امری روزمره نبود. در ادامه خواهیم گفت که چگونه عبدالبهاء آیین بهائی را در دنیا گسترش داد. اما همزمان با این کار، او جوامع بهائی گوناگون را به یکدیگر پیوند داد تا آیین بهائی نه تنها در حرف بلکه در عمل جهانی شود.

پیوندهای میان جوامع بهائی و عبدالبهاء طبیعی و محکم بود. اما او افراد و جوامع بهائی نقاط مختلف دنیا را هم به ایجاد پیوند با یکدیگر تشویق می‌کرد. یکی از راه‌های ایجاد پیوند، نامه‌نگاری جوامع بهائی به یکدیگر و انتشار جهانی اخبار جامعه‌ی بهائی بود. بهائیان مقیم نقاط مختلف دنیا به یکدیگر نامه می‌نوشتند، و جوامع بهائی هم خبرنامه‌های خود را به یکدیگر می‌فرستادند. احتمالاً جامعه‌ی بهائی به نخستین جامعه‌ی دینی‌ای تبدیل شد که کل اعضای آن به اخبار واقعاً بین‌المللی دسترسی داشتند. به طور خاص باید به تأسیس مجله‌ی **نجم باختر** اشاره کرد که،

هرچند به زبان انگلیسی در آمریکا منتشر می‌شد، بخشی هم به زبان فارسی داشت و افراد فراوانی در خاورمیانه، هند، و آسیای مرکزی آن را به طور مرتب دریافت می‌کردند. نامه‌نگاری به ایجاد گروه‌هایی با علائق مشترک در سراسر دنیا انجامید. زنان بهائی ایرانی به زنان بهائی آمریکایی نامه می‌نوشتند، و بهائیان اروپایی علاقه‌مند به اسپرانتو با هم‌تایان خود در خاورمیانه و چین مکاتبه می‌کردند. آنچه این ارتباطات بین‌المللی را تسهیل می‌کرد وجود شمار فزاینده‌ای از ایرانیان بهائی بود که انگلیسی می‌آموختند و در ایران، اروپا، و آمریکای شمالی به عنوان مترجم فعالیت می‌کردند. در آن زمان، اکثر ایرانیان تحصیل‌کرده فرانسه می‌آموختند اما دانشجویان بهائی، عمدتاً در نتیجه‌ی راهنمایی عبدالبهاء، انگلیسی فرا می‌گرفتند.<sup>۴</sup>

علاوه بر نامه‌نگاری، عبدالبهاء پیروانش را به سفر و دیدار با بهائیان دیگر نقاط دنیا تشویق می‌کرد: «مبلغینی به اطراف مملکت بلکه به اطراف عالم سفر نمایند.» بی‌تردید، سفرهای خود عبدالبهاء به اروپا و آمریکای شمالی نقش مهمی در استحکام پیوند بهائیان غرب با جامعه‌ی جهانی بهائی داشت، اما او بهائیان را هم به ترک دیار و دیدار با همکیشان خود در دیگر نقاط جهان فرا می‌خواند. وی به صراحت می‌گفت که این سفر و تعامل فرهنگی ناشی از آن یکی از مؤلفه‌های مهم فرایند جهانی شدن است: «مگذارید که آداب و رسوم سبب شود که اهالی دیگر ممالک شما را بی‌عاطفه و نامهربان بشمارند. بیگانگان را شرور، دزد و بدکار میندازید. گمان می‌برید که باید به شدت مواظب باشید و از خطر معاشرت با چنین افراد احتمالاً نامطلوبی اجتناب نمایید. اما از شما می‌خواهم که تنها به فکر خود نباشید. با اغیار، خواه از ترکیه، ژاپن، ایران، روسیه، چین یا هر مملکت دیگری مهربان باشید ... به آن‌ها یاری رسانید تا خود را غریب میندارند؛ به سراغ‌شان بروید و ببینید چه خدمتی از شما بر می‌آید؛ بکوشید تا اسباب آسایش آن‌ها را فراهم آورید ... حتی اگر گاهی فهمیدید که سوءظن ابتدایی‌تان بی‌اساس نبوده باز هم به آن‌ها مهربانی نمایید چون این محبت به اصلاح آن‌ها کمک می‌کند ... اصلاً چرا باید اهالی دیگر ممالک را بیگانه شمرد؟ ... این که پذیریم اخوت عمومی خوب است یا بگوئیم همبستگی نوع بشر آرمانی عظیم است چه فایده‌ای دارد؟ تا زمانی که این افکار به حیّز عمل در نیاید هیچ ثمری ندارد.»<sup>۵</sup>

عبدالبهاء بهائیان آمریکایی را به سفر به خاورمیانه و هند، و بهائیان خاورمیانه‌ای را به سفر به اروپا و آمریکای شمالی تشویق می‌کرد. شماری از بهائیان آمریکایی به کشورهای زیادی سفر کردند و جوامع بهائی فراوانی را دیدند. سفرهای برخی دیگر محدودتر اما فشرده‌تر بود: بهائیان آمریکایی، بریتانیایی، و فرانسوی به مصر، هند، و ایران، و بهائیان ایرانی به هند، اروپا، و آمریکای شمالی رفتند. این سفرها نه تنها بر مسافران و جوامع بهائی میزبان بلکه بر

<sup>۴</sup> در آثار عبدالبهاء نمونه‌های فراوانی وجود دارد که او به طور خاص به جوانان بهائی ایرانی توصیه می‌کند که انگلیسی بیاموزند. در بعضی از موارد، او می‌گوید هدف از فراگیری زبان انگلیسی این است که بتوانند از طریق تماس با بهائیان آمریکایی و پذیرش نقش مترجم آن‌ها به جامعه‌ی بهائی کمک کنند (نگاه کنید به مجموعه‌های فتوکپی شده‌ی آثار مقدس بهائی که به بایگانی ملی بهائیان ایران تعلق داشته و در کتابخانه‌ی افنان در تانبریج در انگلستان در دسترس است: ج. ۱۶، ص. ۱۸۱؛ ج. ۵۲، ص. ۲۴۲؛ ج. ۸۵، صص. ۱۹۰، ۵۲۶؛ ج. ۸۷، ص. ۲۳۷).

<sup>۵</sup> به علت عدم دسترسی به نسخه‌ی اصلی این سخنرانی، این نقل قول از ترجمه‌ی انگلیسی به فارسی برگردانده شده است. [م.]

جوامع بهائی خود مسافران هم تأثیر مهمی داشت. رابرت استاکمن درباره‌ی تأثیر مبلغان سیار بهائی آمریکایی بر جامعه‌ی بهائی آمریکای شمالی چنین می‌نویسد: «مبلغان سیار بر طرز فکر بهائیان هموطن خود نیز تأثیر عمده‌ای داشتند. آن‌ها با نگارش نامه و کتاب تجربیات خود را به بهائیان نقاط دوردست آمریکای شمالی انتقال دادند. به این ترتیب، برمه، هند، و ایران در اذهان بهائیان غربی جاافتاد و خود را عضو یک جامعه‌ی دینی بین‌المللی شمردند ... آشنایی با بهائیان آسیایی و دیدگاه آنان درباره‌ی دین بهائی، فهم آشکارا مسیحی‌مآب غالب بر طرز فکر بهائیان آمریکایی در ابتدای قرن بیستم را تا حدودی تغییر داد.»

در ایران هم فرایند مشابهی رخ داد و بهائیان به طور فزاینده احساس کردند که همراه با اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها بخشی از یک جامعه‌ی جهانی‌اند. در پایان دوران رهبری عبدالبهاء این برداشت چنان رواج یافته بود که حتی مسلمانان ایرانی هم آمریکایی‌ها و اروپایی‌های مقیم ایران را بهائی می‌شمردند. مورگان شوستر، کارشناس امور مالی آمریکایی که در استخدام دولت ایران بود، گزارش داد که ایرانی‌ها به طور کلی همکاران او را بهائی می‌پندارند چون آمریکایی‌اند. همین باور بود که به قتل رابرت ایمبری، نایب کنسول سفارت آمریکا در تهران، انجامید.

یکی دیگر از نوآوری‌های عبدالبهاء تشویق ازدواج‌های بین‌قومی بود. او ازدواج‌هایی نظیر ازدواج علی قلی خان و فلورنس برید را به شدت می‌ستود. به این ترتیب، جهانی بودن جامعه‌ی بهائی که ابتدا حرفی بیش نبود، به تدریج برای بسیاری از بهائیان به واقعیت تبدیل شد.

کوشش‌های عبدالبهاء عمدتاً به پیوند دادن جوامع بهائی شرق و غرب و کمک به آن‌ها برای حل اختلافات فرهنگی ناگزیر محدود می‌شد، اما او در حرف و عمل به مشکل تبعیض نژادی علیه سیاه‌پوستان هم توجه می‌کرد. برای مثال، در سفر به آمریکا در مهمانی شامی در خانه‌ی یکی از خانواده‌های سرشناس واشنگتن، یکی از بهائیان سیاه‌پوست را در صدر مجلس نشاند. او بهائیان آمریکایی را به اصلاح روابط نژادی، برگزاری جلسات بهائی با حضور نژادهای گوناگون، و تشکیل گردهمایی‌های مودت نژادی فراخواند. وی مشوق ازدواج لویی گرگوری، یک بهائی سیاه‌پوست آمریکایی، و لوئیز متیو، یک بهائی سفیدپوست بریتانیایی، بود.

## جهانی شدن مالی

منظور شولت از «جهانی شدن مالی» بازارهای بیست و چهار ساعته‌ی سراسر جهان است. در زمان عبدالبهاء، گذار از بازارهای محلی به بازارهای ملی تنها در حیطه‌هایی محدود در اندکی از کشورها رخ داده بود. در آن زمان هنوز پروژه‌های مالی ملی کم‌شمار بودند، چه رسد به پروژه‌های مالی جهانی. اما عبدالبهاء با پروژه‌ی احداث عبادتگاهی در ویلمت، نزدیک شیکاگو، اساس جهانی شدن مالی جامعه‌ی بهائی را بنا نهاد. او بهائیان سراسر دنیا را تشویق کرد

تا در این پروژه‌ی مالی جهانی مشارکت کنند. بهائیان اروپا، خاورمیانه، هند، و حتی جزیره‌ی موریس به این پروژه کمک مالی کردند.

داستان‌های فداکاری بهائیان گوشه‌وکنار جهان برای احداث این عبادتگاه بر سر زبان‌ها بود. بعضی از این حکایت‌ها یادآور روایت کتاب مقدس از بیوه‌ی فقیری است که دو فلس به بیت‌المال بخشید: بیوه‌ای ایرانی تنها دارایی خود، گوشواره‌اش، را فروخت تا به احداث این عبادتگاه کمک مالی کند؛ بیوه‌ای آمریکایی که تنها کمکی که از عهده‌اش بر می‌آمد این بود که سنگ وزینی را روی زمین بکشد و به محل تأسیس این عبادتگاه برود و زنی بریتانیایی که همسرش بی‌کار بود و چون چیز دیگری نداشت موهای بلندش را برید و فروخت تا به احداث این معبد کمک کند.

افزون بر این، عبدالبهاء بهائیان شرق و غرب را تشویق می‌کرد تا به توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی جوامع یکدیگر کمک کنند. برای مثال، او از شماری از بهائیان آمریکایی خواست که به ایران بروند و به تأسیس مدارس و درمانگاه‌ها یاری رسانند. به طور خاص باید از زنان بهائی آمریکایی یاد کرد که به الگوی زنان بهائی ایرانی تبدیل شدند. در سال ۱۹۰۹، بهائیان آمریکایی «انجمن آموزشی ایران و آمریکا» را تأسیس کردند تا از نظر مالی به مدارس بهائی در ایران کمک کنند. برخی از بهائیان ایرانی نظیر میرزا ابوالفضل گلپایگانی به اروپا و آمریکای شمالی رفتند تا شناخت این جوامع از آیین بهائی را افزایش دهند. بعضی از دیگر بهائیان ایرانی برای تحصیل در دانشگاه به بیروت، اروپا، و آمریکای شمالی رفتند. جوامع بهائی این کشورها اغلب به این دانشجویان کمک می‌کردند.

## جهانی شدن نهادی

عبدالبهاء همه‌ی جنبش‌های حامی جهانی شدن (غیر از کمونیسم) را می‌ستود. او در جلسه‌های گوناگون انجمن‌های صلح و جنبش‌های عدالت بین‌المللی در آمریکا شرکت می‌کرد، بهائیان را به یادگیری اسپرانتو تشویق می‌کرد، به «سازمان مرکزی صلح پایدار» در لاهه نامه می‌نوشت، «چهارده اصل» پرزیدنت وودرو ویلسون را می‌ستود، و به رغم هشدار درباره‌ی مشکلات «جامعه‌ی ملل»، آرمان‌های اساسی این نهاد را تحسین می‌کرد. با وجود این، عبدالبهاء نیروی بسیار بیشتری را به گسترش و جهانی شدن نهادی جامعه‌ی بهائی اختصاص می‌داد. گسترش آیین بهائی در اروپا و آمریکای شمالی در اوایل دوران رهبری عبدالبهاء رخ داد و عمدتاً برنامه‌ریزی نشده بود. اما در ادامه، گسترش آیین بهائی در خاور دور، استرالیا، پاسیفیک، آسیای میانه، آمریکای جنوبی، و آفریقا با هدایت و راهنمایی عبدالبهاء انجام شد. می‌توان گفت که در پایان دوران رهبری عبدالبهاء آیین بهائی در سراسر کره‌ی زمین انتشار یافته بود. افزون بر این، آیین بهائی در میان گروه‌های دینی گوناگون هم گسترش یافته بود. شماری از یهودیان و زرتشتیان در زمان بهاء‌الله به آیین بهائی گرویده بودند. در زمان عبدالبهاء تعدادی از مسیحیان در اروپا، آمریکای

شمالی، و خاورمیانه بهائی شدند. در این دوره، نخستین هندوها و سیک‌ها در هند، و اولین بودایی‌ها و پیروان ادیان بومی در ژاپن و چین به آیین بهائی روی آوردند.

علاوه بر گسترش جغرافیایی آیین بهائی، عبدالبهاء مروج نهادی شدن آیین بهائی هم بود. او ایادیان امرالله را به تشکیل نخستین «محفل روحانی مرکزی» در ایران (۱۸۹۹) فراخواند تا فعالیت‌های بهائیان این کشور را سازمان‌دهی کند. او «هیئت معبد بهائی» آمریکای شمالی (منتخب سال ۱۹۰۹) را تشویق کرد تا صرفاً به وظیفه‌ی اولیه‌ی خود یعنی نظارت بر بنای مشرق‌الاذکار آمریکای شمالی نپردازد و نقش بسیار بزرگ‌تری را بر عهده‌گیرد و فعالیت‌های بهائیان آن قاره را هماهنگ سازد. وی در سال ۱۹۲۰ از دکتر اسلمنت خواست تا شورای ملی بهائیان انگلستان را که در سال ۱۹۱۴ تشکیل و در جنگ جهانی اول تعطیل شده بود، دوباره تشکیل دهد. افزون بر این هیئت‌های ملی، عبدالبهاء بهائیان را به انتخاب محافل و شورا‌های محلی بهائی فرا می‌خواند.

از حدود سال ۱۹۰۲ عبدالبهاء کوشید تا به نهادهای محلی بهائی در نقاط گوناگون دنیا نظم دهد. او نام این نهادها را از «بیت‌العدل» و «محفل شور» به «محفل روحانی» تغییر داد. سپس چگونگی انتخاب اعضای این نهادها و وظایف آن‌ها را مشخص کرد. وی به طور نمادین بر اهمیت این محافل تأکید می‌کرد. شوقی افندی در توصیف یکی از این اقدامات نمادین چنین می‌نویسد: «اهمیت این محافل چنان زیاد و اقتدار آن‌ها چنان عظیم است که یک بار وقتی حضرت عبدالبهاء ترجمه‌ی عربی شیخ فرج، یکی از احبای کرد مقیم قاهره، از لوح اشراقات حضرت بهاء‌الله را به خط خویش اصلاح فرمودند در لوحی به شیخ فرج امر کردند که این ترجمه را به محفل روحانی قاهره تسلیم نماید تا رضایت و موافقت محفل را با انتشار این ترجمه جلب کند.»

هرچند توسعه‌ی کامل این نهادها بعد از درگذشت عبدالبهاء رخ داد، این محافل از همان نخستین روزها نقش مهمی در جهانی شدن جامعه‌ی بهائی داشتند، زیرا کانون ارتباطات شبکه‌ی روبه‌رشد جامعه‌ی جهانی بهائی بودند. برای مثال، مبلغان سیار از طریق این محافل با بهائیان کشور مقصد تماس می‌گرفتند و این محافل برنامه‌ی سفر و میزبانی آن‌ها را تنظیم می‌کردند. عبدالبهاء با نگارش «الواح نقشه‌ی ملکوتی» تداوم جهانی شدن جامعه‌ی بهائی را برنامه‌ریزی کرد (این نامه‌ها در سال‌های ۱۹۱۷-۱۹۱۶ نوشته و در سال ۱۹۱۹ در مجمعی در آمریکا «رونمایی» شد). این نوشته‌ها حاوی احکامی درباره‌ی چگونگی گسترش آیین بهائی در نقاط مشخصی از دنیا بود. هرچند در دوران رهبری عبدالبهاء شمار اندکی از بهائیان این اوامر را اجرا کردند، گسترش جهانی آیین بهائی در دوران رهبری شوقی افندی مبتنی بر همین نامه‌ها بود.

بنابراین، عبدالبهاء همزمان مروج جهانی شدن هنجاری جامعه‌ی بهائی (با تأکید بر جهانی شدن به مثابه‌ی واقعیت حتمی و گریزناپذیر آینده‌ی دنیا) و جهانی شدن روان‌شناختی آن (با ایجاد و ترویج انواع فراوانی از تعاملات جهانی میان بهائیان دنیا و جا انداختن ایده‌ی تعلق به جامعه‌ی جهانی واحد در ذهن آن‌ها) بود. آنچه به تحقق این دو هدف یاری می‌رساند جهانی شدن مالی جامعه‌ی بهائی (از طریق کمک‌های مالی بهائیان دنیا به پروژه‌ی احداث

مشرق‌الاذکار آمریکا) و جهانی شدن نهادی (از طریق ایجاد چارچوبی جهانی برای نهادهای اداری یا همان کانون‌های تعاملات جهانی بهائیان) بود.

## عام‌گرایی و خاص‌گرایی

در بحث درباره‌ی عام‌گرایی و خاص‌گرایی، مدرنیته و پست‌مدرنیته، رابرتسون می‌گوید که یکی از ویژگی‌های اصلی جهانی شدن، «وخامت تصادم روایت‌های تمدنی، جامعه‌ای، و اجتماعی» بر اثر «فشرده شدن جهان» است. می‌توان گفت که عبدالبهاء جهانی شدن جامعه‌ی بهائی را عامدانه طوری برنامه‌ریزی کرد که به تصادم روایت‌ها بیانجامد، تا جامعه‌ی بهائی را در راه‌یابی به جهانی شدن هدایت کند و نشان دهد که با وجود تصادم روایت‌های فرهنگی و تمدنی، وحدت ممکن است.

مشکل اصلی عبدالبهاء این بود که باید این «تصادم روایت‌های تمدنی، جامعه‌ای، و اجتماعی» را طوری هدایت می‌کرد که خطر انشعاب جامعه‌ی بهائی به فرقه‌ها و جناح‌ها رفع شود. راه حل عبدالبهاء ارائه‌ی مفهوم «عهد و میثاق» بود. عهد و میثاق چارچوب نظری اصلی پروژه‌ی عبدالبهاء برای جهانی‌سازی جامعه‌ی بهائی بود. به نظر او، عهد و میثاق عنصر اصلی‌ای بود که به جامعه‌ی بهائی اجازه می‌داد تا در معرض «تصادم روایت‌های تمدنی، جامعه‌ای، و اجتماعی» قرار گیرد و در عین حال وحدت خود را حفظ کند. مفهوم عهد و میثاق را می‌توان چنین تعریف کرد: ارائه‌ی روایت‌ها، دیدگاه‌ها، و تفاسیر متفاوت در جامعه‌ی بهائی ممکن و حتی مطلوب است، مشروط بر این که هر فرد بهائی به «مرکز عهد و میثاق» (یعنی عبدالبهاء، و بعد از آن شوقی افندی و بیت‌العدل اعظم) وفادار بماند و مرجعیت‌اش را بپذیرد. عبدالبهاء به ندرت، و معمولاً تنها در امور اداری و سازمانی، از مرجعیت و اقتدار خود بهره می‌گرفت، هرچند در بعضی از موارد در مسائل اعتقادی و الهیاتی هم از این اقتدار استفاده می‌کرد (برای مثال، برخی از بهائیان غربی عبدالبهاء را با مسیح یکسان می‌پنداشتند اما او این عقیده را قاطعانه رد می‌کرد). به این ترتیب، حداکثر آزادی ممکن به بهائیان داده می‌شد تا در طرز فکر و عمل خود تمایزهای فرهنگی و فردی را حفظ کنند (روایت‌های متفاوتی ارائه دهند) و در عین حال از انشعاب جامعه‌ی بهائی به فرقه‌های گوناگون بر اثر تصادم روایت‌های متفاوت جلوگیری می‌شد. این امر تعادل میان گرایش مدرنیستی به وحدت و گرایش پست‌مدرنیستی به کثرت و تنوع را ممکن می‌کرد.

به همین دلیل بود که عبدالبهاء در آثار خود خطاب به بهائیان شرق و غرب به شدت بر عهد و میثاق تأکید می‌کرد. او عهد و میثاق را «حصن حصین» و «شریان در جسم امکان» می‌نامید که می‌تواند «قلوب را به اهتزاز آورد» و به لطف آن «شمس حقیقت بتابد» و «ابر رحمت ببارد». او با تأکید بر نقش عهد و میثاق در حفظ وحدت چنین می‌گوید: «الیوم هیچ قوه‌ای وحدت عالم بهائی را جز میثاق الهی محافظه ننماید و الا اختلاف مانند طوفان اعظم



عالم بهائی را احاطه نماید. بدیهی است که محور وحدت عالم انسانی قوه‌ی میثاق است و بس. اگر میثاق واقع نشده بود ... امرالله بکلی پریشان شده بود و نفوسی که اسیر نفس و هوی بودند بکلی تیشه بر ریشه‌ی این شجره‌ی مبارکه می‌زدند. هر کس هوسی می‌نمود و هر نفسی سودایی می‌کرد.»

## سخن آخر

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، جهانی شدن تازه شروع شده بود. افزایش سفرها و بهبود ارتباطات تازه داشت مردم را به این فکر می‌انداخت که «دنیا محلی واحد» است. اما عبدالبهاء این امر را واقعیتی تحقیقیافته می‌شمرد. او این واقعیت را می‌دید و در آثارش از آن به عنوان آینده‌ای یاد می‌کرد که نوع بشر به سویش روان بود. وی در مقام رهبر جامعه‌ی بهائی می‌کوشید تا این جامعه را به جامعه‌ی متحدی تبدیل کند که الگوی دنیای جهانی‌شده‌ی مورد نظر او به شمار می‌رفت - نه دنیایی همسان یا زیر سلطه‌ی یک کشور بلکه دنیایی متحد مبتنی بر کثرت فردی و اجتماعی. بنابراین، او خواهان غربی‌سازی نبود (چیزی که در خاورمیانه هواداران پرشوری داشت). می‌توان گفت که راهبرد عبدالبهاء در رهبری جامعه‌ی بهائی عبارت بود از هدایت نظام‌مند جامعه‌ی بهائی به سوی جهانی شدن: ابتدا با تأکید بر واقعیت و هنجاریت جهانی شدن در نوشته‌های خود، و سپس با تنوع بخشیدن جغرافیایی، قومی، نژادی، و فرهنگی به جامعه‌ی بهائی و با هماهنگ کردن تعاملات اجتماعی فزاینده میان جوامع بهائی، و در نتیجه شناساندن واقعیت ماهیت جهانی‌شده‌ی دنیا و آفرینش فرهنگ جهانی شدن در جامعه‌ی بهائی. به این ترتیب، او این فکر را در ذهن بهائیان جا انداخت که عضو جامعه‌ای جهانی‌اند، جامعه‌ای که مثال بارز واقعیت همان مفهومی از جهانی شدن بود که بهاءالله از آن سخن می‌گفت: «عالم یک وطن محسوب و من علی الارض اهل آن».

برگردان: عرفان ثابتی

---

مooژان مؤمن، دانش آموخته‌ی پزشکی در دانشگاه کیمبریج انگلستان است. او در دین‌پژوهی، شیعه‌شناسی، و مطالعات بابی-بهائی تخصص دارد. از وی ده‌ها کتاب و مقاله در نشریات پژوهشی منتشر شده است. آنچه خواندید برگردان اثر زیر است:

Moojan Momen (2005) "The Globalization of the Bahai Community: 1892-1921", in Margit Warburg (ed.) (2005) Bahai and Globalization, Denmark: Aarhus University Press.

- `Abdu'l-Bahá (1945) *Foundations of World Unity*. Wilmette, Ill.: Bahá'í Publishing Trust
- (1967) *Paris Talks*. London: Bahá'í Publishing Trust
- (1978) *Selections from the Writings of `Abdu'l-Bahá*. Haifa: Bahá'í World Centre
- (1982) *The Promulgation of Universal Peace*. Wilmette, Ill.: Bahá'í Publishing Trust
- (1993) *Tablets of the Divine Plan*. Wilmette, Ill.: Bahá'í Publishing Trust
- Bahá'u'lláh (1983) *Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh*. Wilmette, Ill.: Bahá'í Publishing Trust
- (1990) *The Hidden Words*. Wilmette, Ill.: Bahá'í Publishing Trust (Arabic and Persian numbers given)
- Balyuzi, Hasan M. (1971) *`Abdu'l-Bahá: The Centre of the Covenant of Bahá'u'lláh*. Oxford: George Ronald
- Beyer, Peter (1994) *Religion and Globalization*. London: Sage
- Browne, Edward G. (1926) *A Year Among the Persians*. Cambridge: Cambridge University Press
- Cousins, Ewert (1999) 'The Convergence of cultures and religions in light of the evolution of consciousness', in *Zygon* 34: 209-219
- The Covenant of Bahá'u'lláh* (1950) Manchester: Bahá'í Publishing Trust
- Dawson, Lorne (1998) 'The Cultural Significance of New Religious Movements and Globalization: A theoretical prolegomenon.' *Journal for the Scientific Study of Religion*, 37:580-95
- Gail, Marzieh (1987) *Summon up Remembrance*, Oxford: George Ronald
- Mazandarání, Fádil (n.d.) *Tárikh-i Zúhur al-Haqq*, vol. 6, photocopy of manuscript in Afnan Library, London
- McLuhan, Marshall (1960) *Explorations in Communication* (ed. E.S. Carpenter), Boston: Beacon Press
- McLuhan, M. and Q. Fiore (1967) *The Medium is the Massage*, London: Allen Lane
- Momen, Moojan (1974) *Dr J E Esslemont*. London: Bahá'í Publishing Trust
- (1981) *The Bábí and Bahá'í Religions, 1844-1944. Some Contemporary Western Accounts*. Oxford: George Ronald
- (1991) 'The Baha'i Community of Ashkhabad: its social basis and importance in Baha'i history' in *Central Asia: Tradition and Change* (ed. S. Akiner) London: Kegan Paul International, 1991, 278-305
- (1999). *The Phenomenon of Religion*, Oxford: Oneworld
- (1999-2000). 'Jamal Effendi and the Early Spread of the Bahá'í Faith in India,' *Bahá'í Studies Review*, 9:47-80
- (2002) 'Mysticism and the Baha'i Community'. *Lights of `Irfán*, vol. 3, Evanston, Ill.: `Irfán Colloquia, 2002, pp. 107-20
- (forthcoming) 'The Role of Women in the Iranian Baha'i Community during the Qajar Period.' *Religion and Society in Qajar Iran* (ed. Robert Gleave), London: I.B. Tauris

- Morrison, Gail (1982) *To Move the World: Louis G. Gregory and the Advancement of Race Unity in America*. Wilmette, Ill.: Bahá'í Publishing Trust
- Robertson, Roland (1992) *Globalization: Social Theory and Global Culture*. London: Sage
- Samandar, Kázim (1973) *Tárikh-i Samandar* (ed. `A. `Alá'í). Tihran: BNPT 131 B.E.
- Scholte, Jan Aart (1996) 'Beyond the buzzword: towards a critical theory of globalization,' in *Globalization: Theory and Practice*, (ed. Eleonore Kofman and Gillian Youngs), New York: Pinter, 41-57
- Shoghi Effendi (1968) *Bahá'í Administration*. Wilmette, Ill.: Bahá'í Publishing Trust
- Stauffer, Robert (1997) 'Petition from the Persian Reformers.' Available: <http://bahai-library.org/documents/petition.html>
- Stockman, Robert (1995) *The Bahá'í Faith in America*. Vol. 2: Early Expansion, 1900-1912. Oxford: George Ronald
- Warburg, Margit (1999) 'Baha'i: A Religious Approach to Globalization'. *Social Compass* 46 (1):47-56

